

البته وقتی از جبهه برگردید، از اینکه به جبهه نیامده‌اند، عذرخواهی می‌کنند. بگو: «عذرخواهی نکنید که حرفتان را باور نمی‌کنیم؛ چون که خدا ما را از خیانت‌هایتان باخبر کرده است و خدا و رسولش حقیقت کارهای زشتتان را می‌بینند. آن وقت فقط به سوی دانای پیدا و پنهان برگردانده می‌شوید و او از کارهایتان باخبرتان می‌کند.» ۹۴

همچنین، وقتی از جبهه به شهرهایتان برگردید، منافق‌ها برای توجیه نیامدنتان، برایتان به خدا قسم می‌خورند تا کاری به کارشان نداشته باشید! اتفاقاً کاری به کارشان نداشته باشید؛ چون که آن‌ها پست و پلیدند و به سزای رفتارهای ناپسندشان، جایگاهشان جهنم است. ۹۵ بله، برایتان قسم می‌خورند تا از آن‌ها راضی شوید. به فرض هم از آن‌ها راضی شوید، خدا از چنین افراد منحرفی راضی نمی‌شود. ۹۶

در ضمن، دورافتاده‌ها از مراکز فرهنگی بی‌دینی و نفاقشان شدیدتر است! آن‌ها حق دارند که خط‌قرمزهای احکام فرستاده شده از خدا به پیامبرش را کمتر بلد باشند. به هر حال، خدا دانای کاردرست است. ۹۷

در بینشان، هستند کسانی که هر وقت خمس و زکاتی می‌پردازند، خیال می‌کنند ضرر کرده‌اند و چشم‌انتظار پیشامدهای ناگوار برای شمایند! پیشامدهای ناگوار نصیب خودشان باد! خدا شنوای داناست. ۹۸

البته میانشان، کسانی هم هستند که به خدا و روز قیامت ایمان دارند و خمس و زکاتی را که می‌پردازند، مایهٔ نزدیکی به خدا و جلب دعاهای خیر پیامبر می‌دانند. بله، این طور کارها مایهٔ نزدیکی‌شان به خداست. خدا آنان را به همین زودی‌ها مشمول لطف خودش می‌کند؛ چون او آمرزندهٔ مهربان است. ۹۹

اولین پیشگامان مهاجر و انصار<sup>۱</sup> و کسانی که به شایستگی دنباله‌روشان بوده و هستند، خدا از آنان راضی است و آنان هم از خدا راضی‌اند. او برایشان باغ‌هایی پردرخت آماده کرده است که در آن‌ها جوی‌ها روان است و همیشه آنجا ماندنی‌اند. این است کامیابی بزرگ! ۱۰۰

عده‌ای از ساکنان اطراف مدینه منافق‌اند و بخشی از مردم مدینه هم در نفاق و دورویی حرفه‌ای شده‌اند! به خودی خود، آن‌ها را نمی‌شناسی، به‌ویژه گروه دوم را؛ ولی ما خوب آن‌ها را می‌شناسیم. پی‌درپی عذابشان خواهیم کرد. تازه بعد از آن، به طرف عذاب بزرگ قیامت برده می‌شوند! ۱۰۱

گروه دیگری هم از روی سهل‌انگاری و نه نفاق، به جبهه نرفتند. این‌ها به گناهان خویش معترف‌اند و کلاً کارهای خوب و بد را در هم به‌جا آورده‌اند. امید است که خدا توفیق توبه به آن‌ها بدهد که او آمرزندهٔ مهربان است. ۱۰۲ حالا که برای جبران نیامدن به جبهه، خودشان اموالی آورده‌اند، آن را به عنوان زکات بگیر کن که دعایت مایهٔ آرامش آن‌هاست. خدا شنوای دانا است. ۱۰۳ مگر نمی‌دانند که تنها خداست که توبهٔ بندگان را می‌پذیرد و خمس و زکاتشان را می‌گیرد و اینکه تنها او توبه‌پذیر مهربان است؟ ۱۰۴ بگو: «هر کار خوب و بدی می‌خواهید، بکنید. خدا و رسولش و مسلمانان واقعی حقیقت کارهایتان را حتماً می‌بینند. به‌همین زودی‌ها هم، فقط به‌سوی دانای پیداً و پنهان برگردانده می‌شوید و او از کارهایتان باخبرتان می‌کند.» ۱۰۵

گروه آخر کسانی‌اند که از روی سهل‌انگاری و نه نفاق، به جبهه نرفتند و به گناهانشان هم معترف نیستند. کار این‌ها به‌خواست خدا واگذار شده است: یا عذابشان می‌کند یا توفیق توبه به آن‌ها می‌دهد. خدا دانای کاردرست است. ۱۰۶

۱. به مردم مکه و اطرافش که اسلام آوردند و به مدینه یا حبشه هجرت کردند، «مهاجران» می‌گویند و به مردم مدینه که از مهاجران پذیرایی کردند و به یاری خدا و رسولش شتافتند، «انصار».

عده‌ای منافق مسجد ضرار را به چند منظور ساختند: ضربه زدن به اسلام، ترویج بی‌دینی، ایجاد تفرقه بین مسلمانان و درست‌کردن مکانی مخفی برای افراد تبه‌کاری که با خدا و رسولش در محاربه‌اند.<sup>۱</sup> سفت و سخت هم قسم می‌خوردند: «منظوری جز خدمت نداریم»؛ ولی خدا شهادت می‌دهد که آن‌ها دروغ‌گویند. ۱۰۷ هیچ‌گاه در آنجا به نماز نایست.

قطعاً مسجد فُبا که از روز اول بر پایهٔ تقوا بنا نهاده شده، برای نماز خواندن مناسب‌تر است.<sup>۲</sup> در آن مسجد، مردان و زنانی هستند که دوستدار پاکی و پاکیزگی جسم و جان‌شان هستند و خدا هم پاکیزگان را دوست دارد. ۱۰۸

آیا مسلمانانی که زندگی‌شان را بر اساس مراقبت از رفتار در حضور خدا و رضایت او پایه‌گذاری کرده‌اند، بهترند؟ یا منافق‌هایی که زندگی‌شان را بر لبهٔ پرتگاهی سست و در حال ریزش بنا نهاده‌اند که هر لحظه ممکن است خودشان با بنایشان در آتش جهنم سقوط کنند؟! خدا دست چنین جماعت بدکاری را نمی‌گیرد. ۱۰۹ برنامه‌ای که برای زندگی خودشان چیده‌اند، دل‌هایشان را در دودلی همیشگی نگه می‌دارد؛ مگر آنکه دل‌هایشان تکه‌تکه شود و دق مرگ شوند! خدا دانای کار درست است. ۱۱۰

خدا جان و مال مؤمنان را به بهای وعدهٔ بهشت، از آنان خریده است؛ همانانی که در راه خدا می‌جنگند و می‌کشند و کشته می‌شوند. این وعدهٔ حقی است که خدا وفای به آن را ضمن تصریح در تورات و انجیل و قرآن، به عهده گرفته است و چه کسی از خدا به عهدهش وفادارتر است؟! پس، خوشحال باشید از چنین معامله‌ای که با خدا می‌کنید و این است آن کامیابی بزرگ! ۱۱۱

۱. مُحاربه یعنی اقدام مسلحانه و زعب‌آور، برای تجاوز به جان و مال و ناموس مردم، مانند گروگانگیری و ترور و سرقت و بمب‌گذاری و... آیهٔ ۳۳ و ۳۴ سورهٔ مائده (ص ۱۱۳) هم در این باره است.

۲. مسجد زیبایی فُبا در جنوب شهر مدینه قرار دارد. خرابه‌های مسجد ضرار نیز تا حدود صد سال پیش در همان حوالی باقی بود؛ ولی دیگر اثری از آن باقی نیست.

این مؤمنان اهل توبه‌اند و اهل عبادت، اهل حمد و ثنایند و اهل مسجد و جلسه‌های مذهبی، اهل رکوع و سجده‌اند و اهل امر به معروف و نهی از منکر و در یک کلام، مراقب خطا قرمزهای الهی‌اند. به چنین مؤمنانی خوشبختی دنیا و آخرت را مژده بده. ۱۱۲

پیامبر و مسلمانان وقتی برایشان مشخص شد<sup>۱</sup> که بت پرست‌های لجاج باز معلوم الحال جهنمی‌اند، دیگر حق ندارند برایشان آمرزش بخواهند؛ حتی اگر با آن‌ها قوم و خویش باشند. ۱۱۳ آمرزش خواهی ابراهیم هم برای عمویش، آزر، فقط از سر وعده‌ای بود که به او داده بود؛ ولی همین‌که برایش معلوم شد آزر دشمن خداست، از او فاصله گرفت. بله، ابراهیم خیلی دلسوز و عاقل بود. ۱۱۴

خدا بنا ندارد مردمی را که به راه درست راهنمایی کرده است، به حال خودشان رها سازد، مگر اینکه حلال و حرام الهی را به خوبی برایشان توضیح دهد؛ زیرا خدا هر چیزی را می‌داند. ۱۱۵ فرمانروایی آسمان‌ها و زمین فقط در اختیار خداست. خوشبختی و بدبختی شما هم به دست اوست. پس دیگر به بهانه رعایت آداب اجتماعی، با بت پرست‌ها دوست نمانید و برایشان دعا نکنید. بله، جز خدا یار و یآوری ندارید. ۱۱۶

خدا دست نوازشش را هم بر سر پیامبر کشید و هم بر سر مهاجران و انصار که در لحظه‌های دشوار جنگ تبوک، پیامبر را همراهی کردند؛ بعد از آنکه کم مانده بود دل‌های عده‌ای از آنان در نتیجه آن مشکلات طاقت فرسا بلغزد و از بین راه برگردند! بله، لطف خدا شامل حالشان شد؛ چون خدا در حقشان دلسوز مهربان است. ۱۱۷

۱. برای اثبات جهنمی بودن شخص، دو راه بیشتر نیست: ۱. وحی الهی از زبان معصوم؛ ۲. مردن شخص در حال بت پرستی.

همچنین، لطفش شامل حال آن سه نفری<sup>۱</sup> شد که از شرکت در جنگ بازماندند: وقتی مسلمانان طردشان کردند و عرصه برایشان تنگ شد و از دست خودشان هم کلافه بودند و آخرش فهمیدند که در برابر خدا پشت و پناهی جز خودش ندارند، خدا توفیق توبه به آن‌ها داد تا توبه کنند؛ زیرا فقط خدا توبه‌پذیر مهربان است. ۱۱۸ پس مسلمانان! در حضور خدا مراقب رفتارتان باشید و با کسانی باشید که ظاهر و باطنشان یکی است. ۱۱۹

مردم مدینه و ساکنان اطراف آن شهر حق ندارند که از همراهی با پیامبر خدا در جبهه و جنگ، شانه خالی کنند و حفظ جان خودشان را مهم‌تر از حفظ جان او بدانند؛ چون هر تشنگی و گرسنگی و رنجی که در راه خدا تحمل کنند و به هر جبهه‌ای که خشم دشمنان بی‌دین را برانگیزد، قدم بگذارند و حتی هر ضربه‌ای که به دشمن بزنند، در ازای تک‌تک این‌ها، کار خیر برایشان ثبت می‌شود. معلوم است که خدا پاداش افراد وظیفه‌شناس را پایمال نمی‌کند. ۱۲۰ بله، برای جنگ و جهاد، هر مال کم و زیادی که هزینه کنند و از هر مسیری که رد شوند، برایشان ثبت می‌شود تا خدا بر اساس بهترین کارهایی که می‌کردند، به آنان پاداش دهد. ۱۲۱ البته قرار هم نیست که همه مسلمانان جهاد نظامی کنند! پس چرا از هر گروهی، عده‌ای دنبال جهاد علمی و فرهنگی نمی‌روند؟! برای اینکه معارف دین را یاد بگیرند و وقتی به سوی مردم منطقه خود برگشتند، هشدارهای لازم را به آن‌ها بدهند تا دیگر دنبال کارهای ناشایست نروند! ۱۲۲

۱. کعب بن مالک و هلال بن أمیه و مرارة بن الربیع، بدون عذر موجه، از رفتن به جبهه طفره رفتند و بعد از برگشتن رزمندگان، به شدت پشیمان شدند.

مسلمانان! ابتدا با دشمنان بی دینی بجنگید که در همسایگی تان هستند. در ضمن، دشمنان باید در شما شدت عمل ببینند. بدانید خدا همراه کسانی است که آمادگی روحی و نظامی شان را حفظ کنند. ۱۲۳

وقتی سوره‌ای فرستاده شود، بعضی منافق‌ها از همدیگر می‌پرسند: «این سوره ایمان کدامتان را زیاد کرد؟!». جواب بده: «این سوره ایمان مسلمانان را زیاد می‌کند و آنان هم از این بابت خوشحال‌اند؛ ۱۲۴ اما کسانی که دل‌هایشان مریض شده، پروندهٔ پلیدی شان را سنگین‌تر می‌کند و آن‌ها در حال بی دینی از دنیا می‌روند.» ۱۲۵ مگر نمی‌بینند که هر ساله، یکی دو بار، با مشکلات بزرگ آزمایش می‌شوند و نمرهٔ قبولی نمی‌گیرند؟! آن وقت برای جبران‌ش، نه توبه می‌کنند و نه به خود می‌آیند. ۱۲۶

وقتی سوره‌ای فرستاده شود، بعضی منافق‌ها با نگاهشان به هم اشاره می‌کنند: «کسی که متوجه حضورتان نشده؟» بعد، از ترس رسواشدن، بی سروصدا از محضر پیامبر برمی‌گردند! خدا دل‌هایشان را از حق برگرداند! چون آن‌ها واقعاً جماعتی نفهم‌اند. ۱۲۷

به یقین، پیامبری به سویتان آمده است، از جنس خودتان! دیدن درد و رنجتان برایش سخت است، برای هدایت شدن‌تان حرص و جوش می‌زند و در حق مؤمنان، دلسوز مهربان است. ۱۲۸. باین حال، اگر منافق‌ها از پذیرش حق رو گرداندند، بگو: «خدا برایم بس است: معبودی جز او نیست، توکلم فقط به اوست و ادارهٔ کلان جهان هم فقط دست اوست.» ۱۲۹

## سوره یونس به نام خدای خوب مهربان

الف، لام، را.

آیه‌های کتاب حکمت آموز پیش روی شماست. <sup>۱</sup> آیا برای مردم تعجب آور است که بر انسانی از جنس خودشان وحی کنیم که: «به مردم هشدار بده و به مسلمانان هم بشارت بده که پیش خدا جایگاهی والا دارند؟! بله، بت پرست‌های لجاج‌بازی که پیامبری‌ات را باور ندارند، ادعا می‌کنند: «این جادوگر ماهری است!» <sup>۲</sup>

در حقیقت، صاحب‌اختیارتان خدایی است که آسمان‌ها و زمین را و آنچه میان آن‌هاست، در طول شش مرحله آفرید. آن وقت، بر مقام فرمانروایی جهان تکیه زد. کار جهان را او اداره می‌کند. علل و عوامل هستی بی‌اجازه او کار نمی‌کنند. این است خدایی که صاحب‌اختیارتان است. پس او را بندگی کنید. چرا به خود نمی‌آیید؟! <sup>۳</sup> به سوی اوست برگشتن همه‌تان. خدا وعده‌ای داده که راست راست است؛ چون که او موجودات را پدید می‌آورد و بعد از مرگ، دوباره زنده‌شان می‌کند تا به کسانی که ایمان آورده و کارهای خوب کرده‌اند، منصفانه پاداش دهد. کسانی هم که بی‌دینی کرده‌اند، به سزای آن بی‌دینی‌ها، نوشیدنی جوشان و غذایی زجرآور نصیبشان شود! <sup>۴</sup>

اوست که خورشید را درخشان و ماه را تابان کرده است و ماه را به شکل‌های مختلفی درآورده تا شمارش سال‌ها و حساب و کتاب کارها را بداند. خدا این‌ها را فقط بر اساس حکمت آفریده است. او نشانه‌هایش را برای مردم خوش‌فهم بیان می‌کند. <sup>۵</sup> در رفت‌وآمد شب و روز و آنچه خدا در آسمان‌ها و زمین آفریده است، برای مردمی که مراقب رفتارشان باشند، بی‌شک نشانه‌هایی از یکتایی خداست. <sup>۶</sup>

کسانی که انتظار دیدار ما را ندارند و به شدت به زندگی دنیا متمایل شده‌اند و به آن دل خوش کرده‌اند و خودشان را به غفلت زده‌اند، جایگاهشان به سزای کارهای زشتشان، آتش است؛ ۷ ۸ ولی کسانی که ایمان بیاورند و کارهای خوب بکنند، خدا به پاس ایمانشان، توفیقاتشان را بیشتر می‌کند و در باغ‌های پُرناز و نعمت بهشت از زیر پایشان جوی‌ها روان است. ۹ در بهشت، برای درخواست هر نعمتی می‌گویند: ﴿سُبْحَانَ اللَّهِ﴾ و بعد از آمدن هر نعمتی هم می‌گویند: ﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ﴾.

همچنین در رفتار و گفتارشان احترام و ادب موج می‌زند. ۱۰

اگر خدا در دچار کردن مردم به عذاب همان قدر عجله می‌کرد که مردم در رسیدن به نعمت‌ها عجله می‌کنند، آجلشان حتماً سر می‌رسید! ولی کسانی که انتظار دیدار ما را ندارند، در سرکشی‌شان رها می‌کنیم که کوردل باقی بمانند! ۱۱ تا انسان مشکلی برایش پیش بیاید، همه‌جوره ما را صدا می‌زند: به پهلو خوابیده یا نشسته یا ایستاده؛ ولی همین‌که مشکلتش را برطرف کنیم، می‌رود و پشت سرش را هم نگاه نمی‌کند: انگار نه انگار ما را برای مشکلی که برایش پیش آمده بود، صدا زده است! کارهای این جفاکارهای غفلت‌زده این‌طور برایشان رنگ و لعاب داده می‌شود. ۱۲

ملت‌های قبل از شما وقتی به بدی‌ها آلوده شدند، نابودشان کردیم؛ با اینکه پیامبران‌شان دلیل‌های روشنی برایشان آورده بودند؛ ولی آن‌ها بنابیشان این نبود که ایمان بیاورند! گناهکارها را این‌طور مجازات می‌کنیم. ۱۳ بعد، شما را جان‌شین آن‌ها روی زمین کردیم تا ببینیم در این عرصه شما چه می‌کنید! ۱۴



وقتی آیه‌های روشن‌گر ما را برای مردم می‌خوانند، بت پرست‌هایی که انتظار دیدار ما را ندارند، به تو پیشنهاد می‌دهند: «یک قرآن دیگر بیاور یا لااقل تغییری در آن بده!»

در ردّ پیشنهاد دوشمن بگو: «من حق ندارم سرخود قرآن را تغییر دهم؛ بلکه فقط از چیزی پیروی می‌کنم که به من وحی می‌شود؛ چون می‌ترسم با نافرمانی خدا، گرفتار عذاب روزی هولناک شوم.» ۱۵

در ردّ پیشنهاد اولشان هم بگو: «اگر خدا می‌خواست قرآن دیگری بفرستد، من این قرآن را برایتان نمی‌خواندم و خدا هم از آن آگاهتان نمی‌کرد: من که قبل از پیامبری‌ام، سال‌ها در بیستان زندگی کرده بودم و ادعای آوردن کتاب آسمانی نداشتم. پس چرا عقلتان را به کار نمی‌اندازید؟!» ۱۶

روی این حساب، چه کسانی بدکارتر از آن‌هایی اند که به خدا نسبت دروغ می‌دهند یا آیه‌هایش را دروغ می‌دانند؟! بله، گناهکارها هرگز خوشبخت نمی‌شوند. ۱۷

به جای خدا، بت‌هایی را می‌پرستند که به آن‌ها نه سودی می‌رسانند و نه ضرری می‌زنند! تازه، ادعا هم می‌کنند: «این‌ها واسطه‌های ما پیش خدایند!» بگو: «خدا را از چیزی باخبر می‌کنید که خودش هم در آسمان‌ها و زمین از آن بی‌اطلاع است؟!» خدا پاک است و برتر از بت‌هایشان. ۱۸

انسان‌های نخستین<sup>۱</sup> مردمی خداپرست بودند که کم‌کم دچار اختلافات عقیدتی شدند. در نتیجه، گروهی خداپرست ماندند و گروهی هم بت پرست شدند.<sup>۲</sup> اگر خدا مقدر نکرده بود که مردم مدتی در زمین زندگی کنند، با نابودی بت پرستان، حتماً به اختلافاتشان خاتمه می‌داد. ۱۹

به بهانه ردّ قرآن می‌پرسیدند: «چرا برای محمد معجزه‌ای از طرف خدا فرستاده نمی‌شود؟» بگو: «معجزه امری غیبی است. علمش هم فقط پیش خداست. حالا که قرآن را قبول نمی‌کنید، منتظر عذاب باشید. من هم در کنارتان منتظر می‌مانم!» ۲۰

۱. انسان‌های نخستین یعنی مردمی که از زمان حضرت آدم علیه السلام تا زمان حضرت نوح علیه السلام زندگی می‌کرده‌اند.

۲. آیه ۲۱۳ سوره بقره (ص ۳۳) را هم ببینید.

وقتی به مردم، بعد از آن همه جهل و خرافه که گریبانشان را گرفته بود، معارف ناب قرآنی چشاندیم، برضد آیه‌هایمان نقشه کشیدند! بگو: «خدا برضد آن مردم سریع‌تر نقشه می‌کشد.» چون مأموران ما همه کارهایتان را از لوح محفوظ<sup>۱</sup> بازنویسی می‌کنند. ۲۱

اوست که در خشکی و دریا به آرامی بیبرتان می‌دهد. وقتی سوار کشتی می‌شوید و کشتی‌ها مسافرانشان را با بادی ملایم و نشاط آور به طرف مقصد می‌برند، ناگهان طوفانی شدید کشتی‌ها را به محاصره درمی‌آورد و امواجی سهمگین مسافران را درمی‌نوردد. آنجا دیگر خیال می‌کنند که کارشان تمام است! در این گیرودار، خدا را از ته دل این طور صدا می‌زنند: «اگر ما را از این ورطه نجات دهی، حتماً شکرگزار می‌شویم!» ۲۲

اما همین که خدا نجاتشان می‌دهد، باز از سر خیره‌سری، در جامعه گردن کلفتی می‌کنند. مردم! این گردن کلفتی‌هایتان فقط به ضرر خودتان است: چند روزی از زندگی دنیا بهره‌مند می‌شوید؛ ولی دست آخر، به سوی ماست برگشتنتان. آن وقت، از کارهایتان باخبرتان می‌کنیم. ۲۳

ناپایداری زندگی دنیا مثل این است که بارانی از آسمان می‌فرستیم. با آن، سبزی‌ها و گیاهان گوناگون زمین رشد می‌کند که انسان و حیوان از آن می‌خورند؛ به طوری که وقتی زمین به اوج سرسبزی و طراوتش می‌رسد و مردم خیال می‌کنند که تا همیشه از آن بهره‌مند خواهند بود، ناگهان شبی یا روزی، سرما و صاعقه‌ای می‌فرستیم و آن را چنان به خس و خاشاک تبدیل می‌کنیم که گویی اصلاً گیاهی در کار نبوده است! برای مردمی که فکرشان را به کار می‌اندازند، آیه‌های خود را این طور توضیح می‌دهیم! ۲۴ خدا همگان را به سرای امنیت و آرامش دعوت می‌کند. هرکه را هم لایق ببیند، به راه درست زندگی می‌برد. ۲۵

۱. یعنی اصل تمام کارهایتان، قبل از اینکه انجامشان دهید، در «لوح محفوظ» ثبت است: صفحه علم خدا و مخزن غیب الهی. خدا به دست فرشتگان مأمورش، نسخه‌ای از آن کارها را از لوح محفوظ برمی‌دارد و به عالم دنیا می‌آورد. بنابراین، اصل نقشه‌ها و نیرنگ‌هایتان در دست خداست و قبل از اینکه نیرنگی به کار ببندید، خدا برنامه‌ای برای نقش‌برابردنشان دارد. آیه ۲۹ جاثیه (ص ۵۰۱) و نیز پاورقی آیه ۵۹ انعام (ص ۱۳۴) درباره همین است.

کسانی که خوبی کنند، پاداشی می‌گیرند که بهترین است و تازه بیشتر از حد تصورشان هم می‌گیرند. در قیامت، اثری از خجلت و خواری در چهره‌هایشان پیدا نیست. آن‌ها بهشتی‌اند و آنجا ماندنی. ۲۶

در مقابل، کسانی که کارهای زشت کنند، به همان اندازه مجازات می‌شوند. ابر تیره خفت و خواری همه وجودشان را فرا می‌گیرد و در برابر خدا هیچ پشت و پناهی ندارند. صورت‌هایشان چنان تاریک است که گویی با پاره‌هایی از شب تار، پوشیده شده! آن‌ها جهنمی‌اند و آنجا ماندنی. ۲۷

به فکر روزی باشید که همگان را در صحنه قیامت جمع می‌کنیم. وقت داوری که برسد، به بت پرست‌ها می‌گوییم: «شما و بت‌هایتان، هر کدام، در جایگاه خودش قرار بگیرد!» با این کار، بینشان جدایی می‌اندازیم. بت‌هایشان به آن‌ها می‌گویند: «اساساً ما را نمی‌پرستیدید! بلکه بافته‌های ذهنی خودتان را می‌پرستیدید. ۲۸ همین بس که خدا بین ما و شما شاهد باشد. ما که به پرستش شما کاملاً بی‌اعتنا بودیم.» ۲۹ آنجاست که هرکس نتیجه کارهایی را که از پیش فرستاده، به چشم می‌بیند و همگی فقط به سوی خدا، همه‌کاره حقیقی‌شان، برگردانده می‌شوند. بت‌های ساختگی‌شان هم از جلوی چشم آن‌ها غیبشان می‌زند! ۳۰

بپرس: «کیست که از آسمان و زمین به شما روزی می‌دهد؟ یا کیست که صاحب اختیار شنوایی و بینایی شماس است؟ و کیست که موجود زنده را از دل ماده بی‌جان بیرون می‌کشد و ماده بی‌جان را از موجود زنده؟ و بالاخره، کیست که کار جهان را اداره می‌کند؟! فوری می‌گویند: «خدا.» بگو: «پس چرا از پرستش بت‌ها دست بر نمی‌دارید؟! ۳۱ این است خدایی که صاحب اختیار حقیقی شماس است؛ آن سوی مرزهای حقیقت چیست؟ جز گمراهی؟! پس به کجا می‌برندتان؟! ۳۲ بله، حرف خدا درباره ایمان نیاموردن کسانی که به راه انحراف رفته‌اند، این طور درست از آب درآمد. ۳۳

بپرس: «بتی سراغ دارید که موجودات را پدید آورد و بعد از مرگ، دوباره زنده‌شان کند؟!» بگو: «اما خدا چنین می‌کند. پس چرا از مسیر حق به انحراف کشیده می‌شوید؟!» ۳۴

باز بپرس: «بتی سراغ دارید که به سوی حق راهنمایی کند؟!» و بگو: «ولی، خدا به سوی حق راهنمایی می‌کند. آیا آن که به سوی حق راهنمایی می‌کند، بیشتر لایق پیروی است یا کسی که حتی خودش راه را بلد نیست و باید راهنمایی‌اش کرد؟! چه‌تان شده؟! چطور قضاوت می‌کنید؟!» ۳۵ بیشترشان فقط بنده خیالات‌اند! خیال بافی اصلاً به درد شناخت حقیقت نمی‌خورد. خدا می‌داند که چه کارهایی از سر خیال‌پردازی می‌کنند. ۳۶

نه تنها محال است این قرآن ساختگی و از طرف غیر خدا باشد، بلکه تأییدی است بر کتاب‌های آسمانی موجود<sup>۲</sup> و شرحی بر آن‌ها. جای هیچ شک و شبهه‌ای هم در آن نیست؛ چون از طرف صاحب اختیار جهانیان است. ۳۷ یعنی می‌گویند این قرآن ساخته و پرداخته محمد است؟! بگو: «اگر راست می‌گویید، سوره‌ای مثلش بیاورید و در برابر خدا هر که را می‌توانید برای کمک گرفتن در این کار دعوت کنید.» ۳۸ اما آن‌ها عجزولانه قرآنی را دروغ می‌دانند که به عمق معارفش پی نبرده‌اند و هنوز وعده و وعیدش درباره‌شان عملی نشده است. پیشینیان هم به همین دلیل معارف دینی را دروغ دانستند. پس بین عاقبت بدکارها چه شد! ۳۹

بعضی مردم بت پرست به قرآن ایمان می‌آورند و عده‌ای، به انگیزه خراب‌کاری، ایمان نمی‌آورند؛ خدا از حال این خراب‌کارها آگاه است. ۴۰ اگر تو را دروغگو دانستند، بگو: «کارهای من به خودم مربوط است و کارهای شما به خودتان. شما پاسخ‌گوی کارهای من نیستید و من هم پاسخ‌گوی کارهای شما نیستم.» ۴۱ بعضی بت پرست‌ها به حرف‌های فقط ظاهراً خوب گوش می‌دهند. مگر می‌توانی به گوش جماعتی که خودشان را به کری زده‌اند، حرفی برسانی؟! فارغ از اینکه عقلشان را هم به کار نمی‌اندازند! ۴۲

۱. ای بی‌خبر بکوش که صاحب خبر شوی  
تا راهرو نباشی کی راهبر شوی  
در مکتب حقایق، پیش ادیب عشق  
هان ای پسر بکوش که روزی پدر شوی

۲. منظور، تورات و انجیل موجود در دوران صدر اسلام است.

۳. درباره این هم‌اوردطلبی خدا، یاورقی آیه ۲۳ سوره بقره (ص ۴) را ببینید.

بعضی هم ظاهراً به تو چشم می‌دوزند. مگر می‌توانی راه را به جماعتی نشان دهی که خودشان را به کوری زده‌اند؟! فارغ از اینکه بصیرت به خرج نمی‌دهند! ۴۳ البته خدا ابداً چشم و گوش جان کسی را نمی‌بندد؛ بلکه خودشان چشم و گوش جانشان را می‌بندند. ۴۴

روز قیامت که خدا جمعشان می‌کند، گویی فقط لحظه‌ای از روز و به اندازه یک سلام و تعارف در برزخ مانده‌اند! کسانی که دیدار خدا را دروغ می‌دانستند، با انتخاب نکردن راه درست زندگی، آن روز سرمایه عمرشان را بر باد رفته می‌بینند. ۴۵ چه بعضی عذاب‌هایی را که به آن‌ها وعده داده‌ایم، اینجا نشانت بدهیم چه جانت را بگیریم و در قیامت نشانت بدهیم، به هر حال به سوی ماست برگشتنشان. در ضمن، خدا هم شاهد کارهایشان است! ۴۶

برای هر ملتی پیامبری آمد. وقتی پیام الهی را ابلاغ می‌کرد، با قبول گروهی از مردم و امتناع گروهی دیگر، عادلانه و بی‌آنکه به آن‌ها ستم شود، بینشان داوری می‌شد. ۴۷ بت پرست‌ها می‌پرسند: «اگر راست می‌گویید، این وعده عذاب کی می‌رسد پس؟!» ۴۸ بگو: «من اختیار زبان و سود خودم را هم ندارم، به جز آن مقداری که خدا بخواهد؛ ولی هر ملتی برای مدتی در دنیا زندگی می‌کنند و وقتی دورانشان رو به آخر باشد، نمی‌توانند حتی برای لحظه‌ای آن را عقب و جلو بیندازند.» ۴۹

بگو: «به نظر شما، اگر عذاب الهی در خواب شبانه یا در روز روشن سراغتان بیاید، می‌توانید دفعش کنید؟! آخر، گناهکارها چرا عذاب فوری می‌خواهند؟! ۵۰ نکنند وقتی عذاب بیاید، می‌خواهید به قرآن ایمان بیاورید؟! الان دیگر؟! با آنکه با درخواست فوری عذاب، مسخره‌بازی درمی‌آوردید؟!» ۵۱ روز قیامت هم، به بدکارها گفته می‌شود: «بچشید عذاب ابدی را! جز این است که به سزای کارهای زشتتان مجازات می‌شوید؟!» ۵۲

دوباره از تو جويا می‌شوند: «آن عذاب وعده داده شده واقعاً راست است؟!» بگو: «بله، قسم به خدا که راست راست است و شما نمی‌توانید حریف خدا شوید.» ۵۳

۱. این آیه‌ها هم در این باره است: [اسراء، ۵۲ (ص ۲۸۷)، ۱۰۳ به بعد طه (ص ۳۱۹)، ۱۱۲ به بعد مؤمنون (ص ۳۴۹)، احقاف، ۳۵ (ص ۵۰۶)، نازعات، ۴۶ (ص ۵۸۴)].

۲. یعنی خدا کافران را حتی در همین دنیا گرفتار عذاب می‌کرد و مؤمنان را نجات می‌داد.

موقع رسیدن عذاب، هر بدکاری به فرض هم تمام دارایی زمین را داشته باشد، برای رهایی از عذاب هزینه اش می کند! ولی فایده ای ندارد. چنین کسانی وقتی عذاب را ببینند، پشیمانی شان را پنهان می کنند تا پیش دیگران کم نیاورند! به هر حال، عادلانه و بی آنکه به آن ها ستم شود، بینشان داوری می شود. ۵۴

بدانید آنچه در آسمان ها و زمین است، فقط مال خداست. بدانید وعده خدا راست است؛ ولی بیشترشان این حقایق را نمی دانند. ۵۵ اوست که شما را به دنیا می آورد و از دنیا می برد و فقط به سوی او برتان می گردانند. ۵۶

مردم! از طرف صاحب اختیاران پندی آمده است برایتان و درمانی برای دردهای روحی تان و راهنمایی و رحمتی ویژه برای مؤمنان. ۵۷ بگو: «این همه فواید قرآن از سر لطف و رحمت خداست و همین هاست که باید مایه شادی دل مسلمانان باشد؛ چون این ها از هر مال و منالی که جمع کنند، بهتر است.» ۵۸

بگو: «نظرتان چیست درباره اینکه خدا نعمت هایی روزی تان کرده و شما خودسرانه بعضی را حرام می کنید و بعضی را حلال! خدا اجازه این کار را داده؟! یا اینکه به خدا نسبت دروغ می دهید؟!» ۵۹ کسانی که به خدا نسبت دروغ می دهند، برای توجیه این کارشان در روز قیامت، چه فکری کرده اند؟! خدا به مردم لطف دارد که این نعمت ها را می دهد؛ ولی بیشترشان، با آن خودسری ها، شکرش را به جا نمی آورند. ۶۰

پیامبر! تو در هر حالی باشی و هر آیه و سوره ای از قرآن را از طرف خدا تلاوت کنی و همین طور همه شما دست به هر کاری بزنید، وقت اقدام به آن ها، ما کاملاً شاهد و ناظریم. حتی به اندازه ذره ای، نه در زمین از خدا پنهان است و نه در آسمان. همچنین، کوچک تر از ذره یا بزرگ تر از آن، هر چه هست، در کتابی روشن ثبت است. ۶۱

بدانید که دوستان خدا نه ترسی بر آنان غلبه می‌کند و نه غصه می‌خورند؛ ۶۲ همان کسانی که واقعاً ایمان آورده‌اند و مراقب رفتارشان هستند. ۶۳ خوشا به حال آنان در زندگی دنیا و آخرت! این وعدهٔ خداست و وعده‌های خدا تغییرناپذیر است. این است آن کامیابی بزرگ! ۶۴

پیامبر! حرف‌های بیجای دشمنان غصه‌دارت نکند؛ چون عزت و آبرویکسره دست خداست و او شنوای دانا است. ۶۵ بدانید اختیار اهل آسمان‌ها و زمین دست خداست. کسانی که غیر خدا را می‌پرستند، اساساً آن بت‌ها را نمی‌پرستند؛ بلکه فقط بافته‌های ذهنی خودشان را می‌پرستند و فقط به حدس و گمان تکیه می‌زنند! ۶۶

اوست که شب را برایتان تاریک آفریده است تا در آن استراحت کنید و روز را روشن، تا به کار مشغول شوید. در این پدیده‌ها، برای مردمی که گوش شنوا دارند، نشانه‌هایی از یکتایی خداست. ۶۷

بت پرست‌ها ادعا می‌کنند: «خدا برای خودش فرزندی انتخاب کرده!» او منزّه از این حرف‌هاست و از داشتن فرزند، بی‌نیاز؛ چون آنچه در آسمان‌ها و زمین است، فقط مال اوست. شما هم دلیلی بردستی حرفتان ندارید. چرا از روی نادانی، چیزی به خدا نسبت می‌دهید؟! ۶۸

هشدارشان بده: «کسانی که به خدا نسبت دروغ می‌دهند، هرگز روی خوشبختی را نمی‌بینند.» ۶۹ البته با این دروغ‌گویی‌ها، خوشی‌های ناچیز و زودگذری در دنیا گیرشان می‌آید؛ ولی دست‌آخر، به سوی ماست برگشتنشان و آن وقت به سزای بی‌دینی‌هایشان، عذاب سختی به آن‌ها می‌چشانیم! ۷۰

داستان نوح را برای بت پرست‌ها بخوان: او قومش را به مبارزه طلبید: «مردم! اگر تحمل حضورم برایتان سخت است و یادآوری آیه‌های خدا برایتان سنگین است و اگر قصد مقابله دارید، بدانید توکلم فقط به خداست؛ پس فکرهایتان را روی هم بگذارید و بت‌هایتان را جمع کنید و هر کاری می‌توانید، بکنید تا مبادا بعدها غصه بخورید که چرا فلان کار را نکردید! بعد، کارم را تمام کنید و مهلتم ندهید. ۷۱ اگر هم از قبول رسالتم سرپیچی کردید، من ضرر نمی‌کنم؛ چون من که از شما مزدی نخواست‌ه بودم. مزد زحمت‌هایم فقط با خداست و مأمورم تسلیم او باشم.» ۷۲

ولی دروغگو دانستندش. پس او و آنانی را نجات دادیم که در آن کشتی عظیم همراهش بودند و آنان را جان‌شین بی‌دین‌ها کردیم و کسانی را هم غرق کردیم که آیاتمان را دروغ دانستند. پس ببین چه شد عاقبت این هشدار داده شده‌ها! ۷۳ بعد از نوح، پیامبران دیگری برای راهنمایی قوم و قبیله‌هایشان فرستادیم. آنان هم برای مردم معجزه‌هایی آوردند؛ اما مردم از سرلج بازی بنا نداشتند حقایقی را باور کنند که از قبل دروغ دانسته بودند. بردل‌های تجاوزکارها این طور مهر بدبختی می‌زنیم. ۷۴

باز، بعد از آن پیامبران، موسی و هارون را با معجزه‌هایمان برای راهنمایی فرعون و نزدیکانش فرستادیم؛ اما خوی تکبرشان را ادامه دادند؛ چون که جماعتی گناهکار بودند. ۷۵ همین‌که از طرف ما معجزه‌های بحقی برایشان آمد، ادعا کردند: «این‌ها فقط جادو جنبل‌های رایج است!» ۷۶

موسی گفت: «آیا این حرف‌ها را درباره معجزه‌های بحقی که برایتان آمده است، می‌زنید؟! آیا با توجه به اینکه جادوگرها به هدفشان نمی‌رسند، باز هم این معجزه‌ها جادو جنبل است؟!» ۷۷

فرعونیان گفتند: «آمده‌ای تا ما را از کارهایی منصرف کنی که دیدیم پدرانمان دنبال آن‌اند؟ بعدش هم خودت و برادرت قدرت را در این کشور به دست بگیری؟! محال است حرف‌هایتان را باور کنیم.» ۷۸



فرعون دستور داد: «همهٔ جادوگران کاربلد مصر را پیش من جمع کنید.» ۷۹  
 وقتی جادوگرها آمدند، موسی به آن‌ها گفت: «هرچه در چننه دارید، رو کنید.»  
 ۸۰ وسایل جادوگری‌شان را که انداختند، موسی گفت: «آنچه کردید، همه‌اش  
 جادو بود. حتماً خدا باطلش خواهد کرد؛ زیرا خدا کار خراب‌کارها را سروسامان  
 نمی‌دهد. ۸۱ خدا وعدهٔ حتمی‌اش را با برتری معجزه‌هایش عملی می‌کند،  
 هرچند گناهکارها خوششان نیاید!» ۸۲

دست‌آخر، به جز عدهٔ کمی از قوم موسی، کسی حرف‌هایش را باور نکرد، آن‌هم  
 با ترس از فرعون و نزدیکانش که مبادا شکنجه‌شان کنند. جدّاً که فرعون در  
 سرزمین مصر، قلدر و متجاوز بود. ۸۳

موسی گفت: «مردم! اگر واقعاً خدا را باور کرده‌اید و تسلیم محض اوید، فقط  
 به او توکل کنید.» ۸۴ آنان هم گفتند: «توکل ما فقط به خداست. خدایا، ما را  
 وسیله‌ای برای آزمایش جماعت بدکار قرار نده<sup>۱</sup> و از سرِ لطف، از شرّ دشمنان  
 بی‌دین نجاتمان بده.» ۸۵ ۸۶

به موسی و برادرش وحی کردیم: «برای قومتان در سرزمین مصر شهرک‌سازی  
 کنید و خانه‌هایتان را روبه‌روی هم بسازید<sup>۲</sup> و نماز را با آدابش بخوانید و توای  
 موسی، رهایی از چنگال فرعونیان را به مؤمنان مژده بده.» ۸۷  
 موسی این‌طور گفت: «خدایا، در زندگی دنیا به فرعون و اطرافیانش زرو و زیور  
 بسیار و اموال بی‌شمار دادی؛ اما خدایا، دست‌آخر مردم را از راه و رسم درست  
 زندگی منحرف کردند. خدایا، اموالشان را از بین ببر و دل‌هایشان را سفت و سخت  
 کن؛ چون که آن‌ها ایمان نمی‌آورند تا بالاخره عذاب زجرآور را به چشم خودشان  
 ببینند.» هارون هم آمین گفت. ۸۸

۱. یعنی خدایا، ما ضعیف و ذلیل نباشیم تا بدکارها را از راه ظلم به ما امتحان کنی؛ بلکه ما را قوی و قدرتمند  
 کن و بدکارها را از راه‌های دیگری آزمایش کن. مثل این دعا در آیهٔ ۵ سورهٔ ممتحنه (ص ۵۴۹) آمده است.  
 ۲. تا از احوال همدیگر راحت‌تر خبر بگیرند، امنیت افزایش یابد، در خطرها کمک‌کار هم باشند، فعالیت‌های  
 فرهنگی موسی و هارون آسان‌تر انجام شود و ...

خدا فرمود: «خواستہ تان پذیرفته شد؛ پس در انجام دادن مأموریتتان ثابت قدم باشید و دنبال راه وروش نادان‌ها نیفتید.» ۸۹

بنی اسرائیل را از دریا عبور دادیم. فرعون و سپاهیان‌ش از روی سرکشی و دشمنی تعقیبشان کردند... تا اینکه وقتی فرعون داشت غرق می‌شد، گفت: «ایمان آوردم که معبودی نیست، جز همانی که بنی اسرائیل به او ایمان آورده‌اند و من دیگر جزو آن‌هایی‌ام که تسلیم محض‌اند!» ۹۰ حالا دیگر؟!<sup>۲</sup> درحالی‌که قبلاً سخت نافرمانی می‌کردی و جزو خراب‌کارها بودی! ۹۱ امروز جنازات را از آب بیرون می‌اندازیم تا عبرتی برای آیندگان باشی. بماند که خیلی از مردم از عبرت‌های ما غافل‌اند. ۹۲

بنی اسرائیل را در منطقه حاصلخیز مصر و شامات<sup>۳</sup> سکونت دادیم و خوراکی‌های پاک و پاکیزه روزی‌شان کردیم. اگر اختلافی هم داشتند، ابتدا از سرنا آگاهی نبود. در روز قیامت، خدا در هر چیزی که سرش اختلاف داشتند، بینشان داوری می‌کند. ۹۳

اگر در مطالبی که در این سوره به سویت فرستادیم، شک داری، از کسانی بپرس که قبل از تو کتاب‌های آسمانی را می‌خوانده‌اند، تا بدانی هرچه از طرف خدا به دست رسیده، درست است. پس برای لحظه‌ای حتی، شک به دلت راه نده ۹۴

و برای لحظه‌ای حتی، از آن دسته افرادی نباش که آیه‌هایمان را دروغ می‌دانند، که سرمایه عمرت را می‌بازی. ۹۵

کسانی که وعده عذاب خدا درباره‌شان حتمی شده است، به فرض محال، تمام معجزه‌ها هم برایشان بیاید، باز ایمان نمی‌آورند تا اینکه بالاخره عذاب زجرآور را با چشم خودشان ببینند! ۹۶ ۹۷

۱. پاورقی آیه ۵۰ سوره بقره (ص ۸) را ببینید.

۲. توضیح درباره زمان توبه، در اینجاها هم آمده است: آل عمران، ۹۰ (ص ۶۱)، نساء، ۱۷ و ۱۸ (ص ۸۰) و پاورقی‌های آن دو آیه.

۳. منطقه شامات در پاورقی آیه ۲۱ سوره مائده (ص ۱۱۱) معرفی شد.

چرا اهالی هیچ کدام از شهرهایی که پیامبرشان را انکار کردند، به وقتش ایمان نیاوردند تا ایمانشان به دردشان بخورد؟! جز قوم یونس که وقتی با دیدن نشانه‌های عذاب، به موقع ایمان آوردند، به خفت و خواری در زندگی دنیا دچارشان نکردیم و تا آخر عمر از نعمت‌های دنیا بهره‌مندشان کردیم. ۹۸

اگر خدا می‌خواست، همه مردم زمین به زور ایمان می‌آوردند. پس ای محمد، حالا که ایمان اجباری بی‌فایده است، تو می‌خواهی مردم را مجبور کنی ایمان بیاورند؟! ۹۹ اصلاً محال است کسی ایمان بیاورد، مگر اینکه خدا توفیق دهد. خدا سرتاپای وجود کسانی را که عقلشان را به کار نمی‌اندازند، با تباهی آلوده می‌کند. ۱۰۰

بگو: «به شگفتی‌های آفرینش در آسمان‌ها و زمین خوب نگاه کنید که چطور به ایمان آوردن دعوتتان می‌کنند! این نشانه‌ها و آن هشدارها برای جماعتی که ایمان نمی‌آورند، چه سودی دارد؟!» ۱۰۱

مگر نه این است که آن‌ها چشم به راه روزگاری اند مثل روزگار سخت‌گذشتگان قبل از خودشان؟! بگو: «منتظر عذاب باشید. من هم در کنارتان منتظر می‌مانم!» ۱۰۲

آن وقت، به وقت آمدن عذاب، پیامبرانمان و مؤمنان را نجات می‌دادیم. همان‌طور که آنان را نجات دادیم، به عهده‌ماست که مسلمانان را هم نجات دهیم. ۱۰۳

بگو: «مردم! اگر در حقانیت دینی که آورده‌ام تردید دارید، بدانید هرگز بت‌هایی را نمی‌پرستم که به جای خدا می‌پرستید؛ بلکه تنها خدایی را می‌پرستم که بالاخره جانتان را می‌گیرد. من مأمورم مسلمان باشم.» ۱۰۴

همچنین، به من فرمان رسیده که: «بامیانه‌روی و با همه وجودت به دین اسلام رو بیاور و برای لحظه‌ای حتی، بت پرست نشو!» ۱۰۵ به جای خدا، بت‌هایی را صدا نزن که سود و زبانی به تو نمی‌رسانند. اگر این کار را بکنی، آن وقت تو هم بدکار می‌شوی. ۱۰۶

اگر خدا ضرری به تو بزند، کسی جز خودش نمی‌تواند برطرفش کند. اگر هم سودی برایت بخواهد، کسی نمی‌تواند جلوی لطفش را بگیرد. هریک از بندگان را شایسته ببیند، لطف خود را نصیبش می‌کند؛ زیرا او آمرزندهٔ مهربان است. «۱۰۷ بگو: «مردم! این قرآن که همه‌اش درست است، از طرف خدا برایتان آمده است. پس هرکه در راه درست قدم بردارد، سودش به جیب خودش می‌رود و هرکه به بیراهه برود، دودش به چشم خودش می‌رود. من همه‌کاره‌تان نیستم تا به زور به راهتان بیاورم!» ۱۰۸

دنباله‌رو چیزی باش که به تو وحی می‌شود و در برابر سختی‌ها صبوری کن تا خدا میان تو و بت پرست‌ها داوری کند که او بهترین داورهاست. ۱۰۹

### سورهٔ هود

#### به نام خدای خوبِ مهربان

الف، لام، را.

این کتابی است از طرف کاردرستِ آگاهی که آیه‌هایش یک هدف را دنبال می‌کند و به‌طور مشروح آمده است. ۱ با این پیام که جز خدا را نپرستید. من از طرفش هشداردهنده و مژده‌رسان به شما می‌م. ۲ و اینکه از خدا آمرزش بخواهید و به‌سویش برگردید تا زندگی خوبی تا پایان عمر نصیبتان کند. بله، خدا به هر شخص لایقی به اندازهٔ لیاقتش می‌دهد. اگر از این دستورها سرپیچی کنید، من می‌ترسم گرفتار عذابِ روزی بزرگ شوید! ۳ چون به‌سوی خداست برگشتنتان و او از عهدهٔ هر کاری برمی‌آید. ۴

بدانید بت پرست‌ها سر در لاک می‌کنند و جامه بر سر می‌کشند تا قرآن را نشنوند و پیامبر را نبینند! ولی بدانید در آن وقت هم، خدا می‌داند چه‌ها پنهان می‌کنند و چه‌ها آشکار؛ زیرا او خوب می‌داند هر آنچه را در دل‌ها می‌گذرد. ۵